

واکوی اثربخشی سیاست‌های دولت در توسعه اجتماعی و فرهنگی نواحی روستایی با تأکید بر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطالعه موردی: شهرستان آستارا^۱

فرشته عبدالهیان^{۲*}، سیده صدیقه حسنی مهر^۳، رفعت شهرداری اردجانی^۴، حسین اصغری^۵
 ۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران
 ۳. استادیار گروه جغرافیا، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران
 ۴. استادیار گروه جغرافیا، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران
 ۵. استادیار گروه جغرافیا، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

چکیده

در ایران بالاترین اسناد در حوزه‌ی سیاست‌گذاری توسعه‌ی مناطق مختلف و به‌ویژه روستاها، مربوط به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. در این راستا، ارزیابی میزان تأثیر این برنامه‌های توسعه در تحقق توسعه مناطق روستایی می‌تواند نقش سیاست‌گذاری دولتی را در توسعه روستاها مشخص نماید. بدین منظور پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تأثیر سیاست‌های دولت بر توسعه اجتماعی - فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه نگارش شده است. روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (کمی - کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت تحلیلی - اکتشافی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق نیز شامل مدیران، مسئولان و کارشناسان مسائل روستایی استان گیلان و شهرستان آستارا بوده که با استفاده از فرمول کوهن در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۷۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است. هم‌چنین در راستای تحلیل اطلاعات از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای و تی دو نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در طول برنامه چهارم و پنجم نرخ باسوادی روستایی از ۱/۷۴ به ۱۴/۷۲ درصد، تعداد روستاهای دارای مراکز بهداشت و درمان به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت روستایی از ۱/۰۵- به ۶/۸۶، تعداد مدارس راهنمایی از ۲ باب به ۴ باب و تعداد روستاهای دارای کتابخانه نیز از ۲- به ۲ درصد افزایش داشته است. هم‌چنین در پایان برنامه ششم شاهد تغییرات جزئی در شاخص‌های مورد بررسی نسب به برنامه‌ی پنجم می‌باشیم. به‌طور کلی می‌توان اثربخشی برنامه‌های توسعه مورد بررسی، به‌ویژه برنامه پنجم را در توسعه اجتماعی - فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا مثبت ارزیابی کرد.

کلید واژه‌ها: توسعه روستایی، برنامه‌های توسعه، سیاست‌گذاری دولتی، شهرستان آستارا.

^۱. مقاله‌ی حاضر مستخرج از رساله‌ی دکتری تحت عنوان پیامدهای سیاست‌های دولت در توسعه‌ی روستایی طی برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان آستارا) با همکاری نویسندگان می‌باشد.

مقدمه

تجربه تاریخی فرایند توسعه در کشورهای توسعه یافته، این موضوع را معلوم ساخته است که توسعه روستایی یک ضرورت بنیادی برای توسعه ملی است و می‌بایستی در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد (Deng et al, 2010:496; Freshwater and Trapasso, 2014:478). به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که توسعه روستایی فرایندی است که منجر به ارتقاء سطح زندگی مردم در جامعه روستایی می‌شود (Torre et al, 2023)، یعنی توسعه روستایی به‌عنوان یک مفهوم، آمیزه‌ای از عمران کلی مناطق روستایی توأم با اصلاح و بهبود کیفیت زندگی روستائینان است (Mohammed and Mohammed and, 2011; Qingjuana et al, 2011; Muhammad, 2019). بر این اساس می‌توان گفت توسعه روستایی یک امر جامع و چندبعدی بوده که دربرگیرنده توسعه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی وابسته به آنها یعنی صنایع دستی، صنایع روستایی، صنایع سبک و صنایع تبدیلی و زیربنای عمرانی به همراه خدمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تسهیلات مربوط به آنها می‌باشد (Jurjević et al, 2021). لذا در جستجوی راهبردی برای توسعه روستایی می‌توان گفت که توسعه روستایی طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون انسانی، مادی و معنوی را شامل می‌شود که مردم را به استقلال و همبستگی فکری، عملی و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری قادر می‌سازد (رضوانی، ۱۳۹۳). با توجه به اهمیت توسعه روستایی، در کشور ایران نیز ضرورت پرداختن به امر روستا و توسعه آن طی ادوار مختلف، از سوی دولت بیش از پیش مطرح شده است (شکوری، ۱۳۸۰). روستاها با توجه به نقش مهمی که در نظام تولید و اشتغال کشور دارند و هم‌چنین با عنایت به سکونت حجم قابل توجهی از جمعیت که در خود جای داده‌اند، در نظام برنامه‌ریزی کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و از اجزاء و عناصر اصلی توسعه ملی به‌شمار می‌آیند. بنابراین دولت، مکلف به توجه و برنامه‌ریزی برای تحول و توسعه آنها در سطح ملی است. بر این مبنای دولت با انجام طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که در بطن برنامه‌های مختلف توسعه اجتماعی-اقتصادی آمده است، در توسعه روستایی مستقیماً مداخله داشته و برای دستیابی به اهداف متصور، اقدامات عمرانی را در سطح سکونتگاه‌های روستایی به انجام می‌رساند (سعیدی و رستگار، ۱۳۸۸). از طرفی مطالعه سیر تحولات برنامه‌های توسعه در کشور نشان می‌دهد غافل ماندن از توجه به حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم خود بسترساز توسعه ناموزون و ناپایداری فضاهای روستایی شده است. زیرا در اکثر برنامه‌های عمرانی و توسعه روستایی تأمین نیازهای اساسی و خدمات رفاهی مدنظر بوده است. درحالی‌که تأمین نیازهای جامعه روستایی به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده پایداری سکونتگاه‌های روستایی باشد (بخشی و همکاران، ۱۳۹۸:۶). بنابراین سیاست‌گذاری در اسناد فرادست و اقدامات اجرایی در سطوح کلان، متوسط و خرد در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی از ضروریات توسعه روستاها تلقی می‌گردد. هم‌چنین عناصر کلیدی در سیاست‌گذاری فضایی روستایی شامل مکان‌ها، مردم و فعالیت‌ها هستند و برای اینکه سیاست‌های فضایی توسعه روستایی مؤثر واقع شود، بایستی سه بعد زندگی روستایی (مردم، مکان و فعالیت‌های اقتصادی) در قالب طرح‌های اجتماعی - فرهنگی، کالبدی و اقتصادی با هم یکپارچه شوند (Freshwater, 2007). در ایران پس از انقلاب اسلامی بالاترین اسناد و سیاست‌های توسعه مناطق مختلف و به‌ویژه روستاها، مربوط به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. در این راستا، ارزیابی

میزان تأثیر این برنامه‌های توسعه در تحقق توسعه مناطق روستایی می‌تواند نقش سیاست‌گذاری دولتی را در توسعه روستاها مشخص نماید. بدین منظور، تحقیق حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی سیاست‌های دولت (در قالب برنامه‌های توسعه چهارم، پنجم و ششم) بر توسعه اجتماعی - فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا نگارش شده است. طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان آستارا ۹۱۲۵۷ نفر بوده که از این تعداد، ۲۸۴۴۳ نفر یعنی ۳۱/۱۷ درصد (حدود یک‌سوم جمعیت) در مناطق روستایی اسکان داشته‌اند. بنابراین علاوه بر توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی - فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا به‌عنوان یکی از الگوهای مهم سکونتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و ارزیابی تأثیر سیاست‌های دولتی می‌تواند برنامه‌ریزی برای توسعه این مناطق طی دوره‌های آتی را تسهیل نماید. با توجه به هدف مطرح‌شده، پاسخگویی به سؤال زیر اساس کار پژوهش حاضر می‌باشد:

- سیاست‌گذاری‌های دولتی در قالب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم) چه تأثیری بر توسعه اجتماعی - فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا گذاشته است؟

پیشینه تحقیق

ارزیابی نقش سیاست‌ها و طرح‌های دولتی در توسعه مناطق روستایی، مورد بحث و بررسی پژوهشگران متعددی قرار گرفته است. با بررسی پیشینه پژوهشی می‌توان عنوان کرد که اکثر پژوهش‌ها بر شاخص‌های کالبدی و اقتصادی تأکید داشته‌اند و عدم بررسی شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی خلأ پژوهش‌های گذشته و نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌گردد. هم‌چنین بررسی تطبیقی سه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (چهارم، پنجم و ششم) از دیگر نوآوری پژوهش حاضر می‌باشد. در ادامه به برخی از مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر اشاره می‌گردد.

طالبی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان نقش سرمایه‌گذاری‌های دولت در ظرفیت‌سازی مناطق روستایی، روستاهای ناحیه آران و بیدگل را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دولت با سرمایه‌گذاری‌ها عمرانی در تقویت و ارتقاء ظرفیت‌سازی جوامع روستایی از کارآمدی ناچیزی برخوردار بوده و روستانشینان نیز نقش‌آفرینی کمتری را در توسعه روستایی برای خود قائل بوده‌اند. قادرمرزی و بهمنی (۱۳۹۸)، در تحقیق خود به تبیین اثرات سیاست‌های دولت بر تحولات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مسکن روستایی در روستاهای استان کردستان پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق در زمینه آثار سیاست‌های توسعه مسکن روستایی نشان می‌دهد که در بعد اجتماعی، تغییرات مطلوبی در رابطه با تراکم خانوار و کیفیت بهداشتی مساکن به‌وجود آمده، اما در زمینه تطبیق‌پذیری و تناسب فرهنگی-هویتی طرح‌ها نتایج مطلوبی حاصل نشده است. در بعد اقتصادی اگرچه طرح ویژه بهسازی موجب کاهش یا حذف فضاهاى معیشتی شده، اما موجب ارتقاء کیفیت سوخت مصرفی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و تحرک بخشی اقتصادی شده است. در بعد کالبدی نیز طرح ویژه بهسازی بیشترین اثرگذاری مطلوب را داشته و به عبارتی تحول کالبدی به لحاظ استحکام مساکن ایجاد شده است. خالقی (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی توسعه با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران به این نتایج دست یافته است که رویکرد ارتباطی در برنامه‌ریزی به دور از

کاستی‌های رویکرد عقلایی‌گرایی، واجد ارزش‌های لازم جهت تحقق فرایند مطلوب برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور بوده است. نهایت اینکه عدم توفیق برنامه‌های توسعه همه‌جانبه روستایی بیشتر ناشی از غفلت سیستم قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی نسبت به جایگاه روستا و کشاورزی بوده و این طرح‌ها در غیاب مردم برنامه‌ریزی شده و بدون مشارکت مردم اجرا می‌شوند. فن و همکاران (۲۰۰۳)، در پژوهشی به بررسی نقش مخارج دولت در توسعه و کاهش فقر روستایی در کشور هند پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بیشتر در امور جاده‌سازی بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر روستایی و توسعه این مناطق در هند داشته است. چن و اسکات (۲۰۱۴)، در مطالعه خود تحت عنوان استراتژی‌های توسعه روستایی و نقش دولت در توسعه تعاونی‌های کشاورزان در چین به این نتایج دست یافته‌اند که این تعاونی‌ها با چالش‌های بزرگی برای توسعه بیشتر روبه‌رو هستند، از جمله دسترسی محدود به زمین و سرمایه، از دست دادن انبوه نیروی کار، رقابت‌پذیری پایین در بازار، ضعف مدیریت داخلی و حمایت محدود دولت. عجاز علی‌خان و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحت عنوان نقش توانمندسازی اجتماعی-اقتصادی در کاهش فقر خانوارهای روستایی به این نتایج دست یافته‌اند که توانمندسازی اجتماعی-اقتصادی نقش محوری در کاهش فقر روستایی دارد و بایستی سیاست‌گذاران توجه ویژه‌ای در راستای توانمندسازی اجتماعی-اقتصادی روستائیان داشته باشند. آبريو و مسیاس (۲۰۲۰)، در پژوهشی به ارزیابی توسعه روستایی از طریق شناسایی مجموعه‌ای از شاخص‌های کاربردی پرداخته‌اند. این پژوهش توسعه روستایی را ناشی از ارتقاء شاخص‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی، زیست‌محیطی و رفاه اجتماعی عنوان کرده که در راستای تحقق آنها سیاست‌گذاری در حوزه کلان بایستی همراه با مشارکت جامعه محلی (روستائیان) باشد. هینک و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهش خود با بررسی نقش دولت در توسعه روستایی در کیپ شرقی/آفریقای جنوبی به این نتایج دست یافته‌اند که سیاست‌های دولت در دوران «پسا‌آپارتاید» در دستیابی به توسعه روستایی مناسب نبوده است. در این راستا، ضروری است که رویکردهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در توسعه روستایی از رویکرد متمرکز و تکنوکرات‌گرا به الگوهای مشارکتی و پایین به بالا تغییر یابند.

مبانی نظری

توسعه روستایی

از چند سده اخیر و با رشد پرشتاب صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی مناطق روستایی بیشتر عیان گردیده است (Abreu, 2022). از آنجایی که عموماً روستائیان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد کمتری هستند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردار هستند، اقشار روستایی فقیرتر و آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شوند که بعضاً منجر به مهاجرت آنان به سمت شهرها نیز می‌شود. علت این امر نیز پراکندگی جغرافیایی روستاها، نبود صرفه اقتصادی برای ارائه خدمات اجتماعی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (کم‌بودن بهره‌وری)، محدودیت منابع ارضی (در مقابل رشد جمعیت) و عدم مدیریت صحیح مسئولان بوده است (Ghafary, 2006). بدین منظور، بحث توسعه روستایی مطرح گردیده است. به‌طور کلی برنامه‌های توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شوند که برای دگرگون‌سازی

ساخت اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌روند (Namdar and Sadighi, 2013). هم‌چنین توسعه روستایی عبارت است از فرآیند توانمندسازی و تقویت قابلیت زندگی از نظر کیفیت زندگی، کیفیت محیط و کارایی اقتصادی و بهبود کیفیت بیوفیزیکی در نواحی روستایی که دارای ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است (شمس‌الدینی و جمینی، ۱۳۹۵). هر یکی از این ابعاد با توجه به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری که از محیط روستایی دارند، در دستیابی به توسعه روستایی دارای اهمیت قابل توجهی هستند (قدیری معصوم و عزمی، ۱۳۸۹). هم‌چنین می‌توان عنوان کرد که با توجه به شرایط نامطلوب اقتصادی - معیشتی و فقر مالی در روستاها که منجر به ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی، عدم سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تولیدی و اشتغال‌زایی، کمبود پس‌انداز و تشدید مهاجرت‌ها شده است، هرگونه پایداری فرآیند توسعه در روستاها، بدون پیش فرض گرفتن توانمندسازی و کاهش فقر، نامحتمل است. براین اساس برنامه‌های جدید توسعه روستایی بیش از هرچیز مبتنی بر دو اصل توانمندسازی روستاییان و فقرزدایی از روستاها است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). در جدول ۱ سیر تحولات دیدگاه‌های توسعه روستایی ارائه گردیده است.

جدول ۱. - سیر تحول دیدگاه‌های توسعه روستایی

۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰ تا اکنون
- نوسازی - مدل اقتصاد دوگانه در کشورهای عقب‌مانده - توسعه اجتماع محلی - دهقانان کُندرو	- رویکرد اصلاحات - انتقال فناوری - مکانیزاسیون - ترویج کشاورزی - رشد کشاورزی - انقلاب سبز (شروع) - دهقانان عقلایی	- توزیع مجدد همراه با رشد - نیازهای اساسی - توسعه روستایی یکپارچه - سایت‌های کشاورزی دولت - سوگیری شهری - اعتبار متکی به دولت - تشویق نوآوری‌ها - انقلاب سبز (ادامه) - پیوندهای روستایی	- تعدیل ساختاری - بازارهای آزاد - کسب حقوق قیمت‌ها - کناره‌گیری دولت - ظهور NGOs - ارزیابی سریع روستایی (RPA) - تحقیق نظام‌های روستایی (FSR) - امنیت غذایی و تحلیل قطعی - RD به عنوان فرآیند غیرتولیدی - زنان در توسعه (WID) - تسکین فقر	- اعتبار خرد - ارزیابی مشارکت روستایی - توسعه روستایی عامل مبنا - تحلیل ذینفعان - چتر ایمنی روستایی - جنسیت و توسعه (GAD) - محیط و پایداری - کاهش فقر	- معیشت پایدار - حکمروایی خوب - تمرکززدایی - نقد مشارکت - رویکردهای فرابخشی - تأمین اجتماعی - ریشه‌کنی فقر - محیط‌زیست و کالبد پایدار

مأخذ: (رضوانی، ۱۳۹۳).

هم‌چنین برای رسیدن به توسعه روستایی دو دسته نظریه وجود دارد: الف) دسته اول شامل نظراتی است که توسعه کشاورزی را محور اصلی برای توسعه روستایی می‌دانند (صیدایی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۵). ب) دسته دوم که هم‌زمان با کشاورزی به توسعه صنعت توجه دارند و بر توسعه صنایع روستایی تأکید دارند. بر این اساس برنامه‌های توسعه

روستایی، با توجه به سیاست‌های موجود با تأکید بر توسعه کشاورزی، صنعتی‌کردن سکونت‌گاه‌های روستایی، ارائه امکانات و خدمات رفاهی روستایی و اجرای طرح‌های فیزیکی و کالبدی بوده است (ازکیا، ۱۳۹۶). به طور کلی نیز می‌توان عنوان کرد که توسعه روستایی به‌عنوان راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی-اقتصادی مردم فقیر روستایی در نظر گرفته شده است. هم‌چنین شامل انتشار منافع توسعه در بین فقیرترین افراد نواحی روستایی یا به عبارت دیگر کشاورزان کوچک، اجاره‌داران، افراد فاقد زمین و دیگر گروه‌های محروم است (ضیائی‌ان و همکاران، ۱۳۹۴).

جایگاه توسعه روستایی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران

توسعه روستایی ازجمله مباحث مهم در توسعه هر کشور به حساب می‌آید و اولویت آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی بسیار اهمیت دارد، تا جایی که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن نتیجه‌ای جز تخریب و نابودی روستاها و گسترش مشکلات و مسائل این مناطق نخواهد داشت. فریدمن و ویتز توسعه روستایی را فراتر از توسعه شهری در نظر می‌گیرند و توسعه ملی را در گرو توسعه روستایی می‌دانند. بر اساس دیدگاه تالون توسعه جهان سوم از طریق برنامه‌ریزی روستایی و توسعه روستاها به دست می‌آید، نه از طریق بهره‌گیری از گسترش خیالی منافع توسعه شهرها در روستاها. به نظر مایکل تودارو ضرورت تقدم و توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت نیست که اکثریت جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی قرار دارند، بلکه به این علت است که راه‌حل نهایی بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود و ارتقاء روستاها است. با برقراری تعادل مناسب بین امکانات اقتصادی شهر و روستا و نیز ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت وسیع، مردم در تلاش‌هایی که برای توسعه ملی صورت می‌گیرد، قادر خواهند بود گام بزرگی در جهت تحقق معنای حقیقی توسعه بردارند. در ایران نیز بیشتر صاحب‌نظران برای توسعه روستایی جایگاه مهمی قائل‌اند و آن را لازمه نیل به توسعه پایدار ملی می‌دانند (ازکیا، ۱۳۹۶). هم‌چنین توسعه روستایی در بالاترین اسناد توسعه کشور یعنی برنامه‌های توسعه مورد تأکید قرار گرفته و با توجه به هدف تحقیق به بررسی برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم و جایگاه روستاها در این برنامه‌ها پرداخته می‌شود.

الف) برنامه چهارم توسعه و جایگاه روستاها در آن

برنامه چهارم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای دوره زمانی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تهیه شده است. برنامه چهارم توسعه به‌عنوان اولین برنامه میان‌مدت در سند چشم‌انداز ۲۰ساله توسعه کشور (افق ۱۴۰۴)، با هدف تسریع رشد اقتصادی، افزایش توان رقابت‌پذیری اقتصاد، تعامل فعال با اقتصاد جهانی، توسعه مبتنی بر دانایی، توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست و برقراری توازن منطقه‌ای، توسعه سلامت و بهبود کیفیت زندگی، حرکت در راستای برقراری عدالت اجتماعی و صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی و ایرانی تدوین شد (شفاق‌ی شهری، ۱۳۹۷). ازجمله اهداف این برنامه در بخش روستایی شامل این موارد می‌باشد: اصلاح ساختار حقوقی مصرف انرژی بخش کشاورزی با افزایش راندمان آن، پوشش حداقل پنجاه درصدی بیمه محصولات، حمایت از گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، ایجاد صندوق درآمد کشاورزان با مشارکت دولت و کشاورزان، نوسازی و توسعه باغ‌های موجود و توسعه منابع انسانی و سرمایه‌های اجتماعی در روستاها.

ب) برنامه پنجم توسعه و جایگاه روستاها در آن

برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، دومین برنامه از سند چشم‌انداز افق ۲۰ ساله توسعه کشور می‌باشد. مهمترین اهداف این برنامه شامل توسعه سرمایه‌گذاری و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی، ارتقاء سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی، قطع وابستگی بودجه به نفت، واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و کاهش نرخ بیکاری بوده است. هم‌چنین از جمله سیاست‌های کلی مربوط به توسعه روستاها در این برنامه شامل این موارد می‌باشد: پوشش بیمه برای اشتغال در بخش‌های مختلف، بهره‌گیری از انواع ابزارها و شیوه‌های تشویقی و حمایتی برای تسهیل در روند توسعه بازارهای مالی روستایی، توسعه زیرساخت‌های پشتیبان تولید محصولات، سرمایه‌گذاری و تسهیل در دسترسی به اعتبارات ملی-استانی و تسهیلات بانکی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و توسعه منابع انسانی.

ج) برنامه ششم توسعه و جایگاه روستاها در آن

برنامه ششم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای دوره زمانی (۱۴۰۰-۱۳۹۶) تهیه شده است. مهمترین اهداف توسعه روستایی این برنامه شامل تهیه طرح‌های آمایش استانی و منطقه‌ای، توسعه اقتصاد صادرات‌محور، ارتقاء استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی مناطق روستایی، کاهش مدت زمان پاسخ به اعلام‌ها و صدور پروانه ساخت بنگاه‌های اقتصادی روستایی، متنوع‌سازی اقتصاد روستایی، هدف‌مندی اعتبارات مربوط به عمران و توسعه روستایی، تهیه طرح‌های هادی روستایی، بهبود خدمات‌رسانی و آموزش و هم‌چنین شناسایی روستاهای آسیب‌پذیر در برابر سوانح طبیعی بوده است.

بررسی نظریه‌های توسعه روستایی

در سال‌های ۱۹۴۰ تا اوایل ۱۹۵۹ دو موضوع مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان بود که عبارت‌اند از: علل فقر پاره‌ای از کشورها و راه دستیابی به پیشرفت و رفاه. در آن زمان نظریه‌هایی برای تبیین پدیده توسعه‌نیافتگی و ارائه راهکارهایی برای آن شکل گرفت که اکنون آن‌ها را نظریه‌های توسعه اقتصادی می‌نامیم. این نظریه‌ها بر بستر سرمایه‌های فکری دانش اقتصادی موجود شکل می‌گرفت و البته رویکردهای تحلیلی متعارض با اقتصاد حاکم در این نظریه‌پردازی سهم قابل‌توجهی داشتند. از طرفی به‌رغم وجود تضارب آراء مکاتب گوناگون تفکر اقتصاد حاکم نیز در این نظریه‌پردازی سهم قابل‌توجهی داشتند (زریباف، ۱۳۹۱).

این نظریات را به‌طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد:

الف) نظریه رشد کلاسیک

در نظریه رشد کلاسیک (از آدام اسمیت و دیوید ریکاردو تا حتی دوران کینز) گسترش بازارها به‌عنوان مهم‌ترین محرک افزایش تولید و ارتقاء بهره‌وری نیروی کار است.

هرچند آدام اسمیت، آزادسازی تجارت را به‌عنوان ابزار گسترش قلمرو بازار توصیه کرده بود، اما ریکاردو مجدداً با ارائه مفهوم مزیت نسبی بر آن تأکید کرد. کلاسیک‌ها، تغییرات فناورانه را در افزایش بهره‌وری نیروی کار و تأمین مواد خام و مواد غذایی جمعیت روبه‌رشد را بسیار مهم می‌دانست.

در اوایل قرن ۲۰، آرتوریانگ مجدداً از تأکید آدام اسمیت در مورد گسترش بازارها گامی فراتر نهاد و اظهار داشت که نوآوری فناورانه می‌تواند با افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه افزایش درآمد و تقاضا به گسترش بازارها منتهی شود. در این مکتب، نقش دولت نیز محدود به ایجاد، امنیت، تولید عمومی و تأمین اجتماعی است. در نهایت، نظریه‌پردازان کلاسیک روش دستیابی به پیشرفت و رفاه و هم‌چنین رفع فقر و فلاکت در کشورها را در گسترش بازارها معرفی کردند و معتقدند با بهبود تولید و افزایش سرانه خودبه‌خود وضع فقرا بهبود می‌یابد؛ بنابراین، دخالت به‌منظور مقابله با فقر به دلیل اینکه موجب اختلال در بازارها می‌شود، ناکارآمد بود و مانع توسعه سریع خواهد شد (زریباف، ۱۳۹۱).

ب) مکتب تکاملی توسعه

مکتب تکاملی توسعه یکی از رایج‌ترین دیدگاه‌ها در علوم اجتماعی در طی قرن نوزده و اوایل قرن بیست است. چنانچه چوداک می‌نویسد: «نویسندگانی که در اواخر قرن نوزدهم در باب توسعه کار می‌کردند، دنیا را چنین توصیف می‌نمودند که به‌سوی موفقیت و وفور کالاها، عقلانی بودن، نهایت عدالت و حتی خوشبختی کامل می‌یابد». این نویسندگان از سویی در پی آن بودند که چگونگی دگرگونی و انتقال از گذشته را تبیین کنند و از سوی دیگر می‌خواستند به دیدگاه‌هایی دست یابند که به‌وسیله آن بتوانند آینده را پیش‌بینی کنند. در حقیقت بر اساس این هدف بود که نظریه عمومی تکامل اجتماعی ساخته شد. نظریه عمومی تکامل اجتماعی بر اساس درک خاصی از کلمه توسعه قرار دارد. یکی از صاحب‌نظران مکتب تکامل اجتماعی هربرت اسپنسر است. نظریه وی عبارت است از فرایند تکامل اجتماعی حرکت به‌سوی پیچیدگی فزاینده. به نظر او جامعه انسانی باگذشت زمان از توحش به تمدن و طی مراحل خاصی به حالت کنونی رسیده است و به‌کلی جوامع انسانی دارای روحیه ستیزه‌جویی و جنگ‌جویی هستند و تنها با قدرت یافتن صنعت روحیه آرامش بر جامعه سایه می‌اندازد. شاخه‌های متنوعی در داخل این چارچوب نظری به وجود آمده است که این شاخه گروه‌هایی را دربر می‌گیرد که: (۱) درکشان از مفهوم توسعه، درکی ژنتیکی است. (۲) گروهی که تمایل به مفهوم ساختی - کارکردی از توسعه دارند. (۳) کسانی که به عنصر جبرگرایی و چاره‌ناپذیری معتقدند. ویژگی‌های مشترک نظریه‌های فوق عبارت‌اند از:

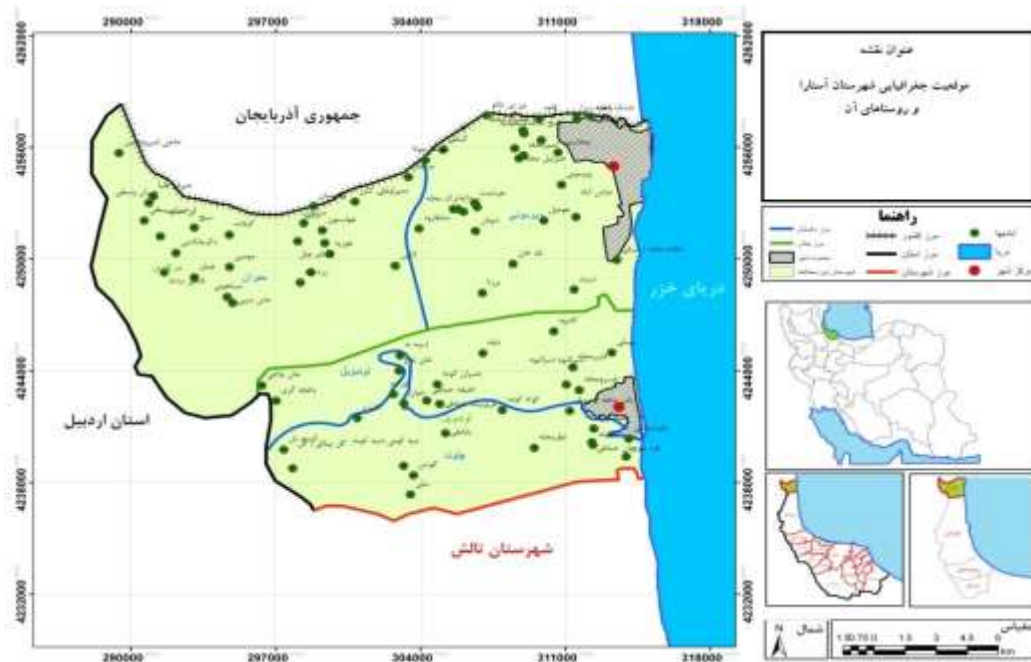
۱. وحدت، یکی از اصول اساسی است. هر سیستمی دارای خرده نظام‌هایی است که در آن هر جز ضمن انجام کارکردهای خاص خود با سایر عناصر نیز هماهنگی برقرار می‌کند.
۲. هماهنگی بین عناصر خرده نظام‌های یک سیستم وجود دارد و اصل حاکم بر جامعه توازن است و نه تضاد.
۳. نظام اجتماعی یکپارچه و منسجم است و بین بخش‌های مختلف آن هیچ نوع تضادی وجود ندارد و اجماع اصل حاکم بر جامعه است (ازکیا، ۱۳۹۶).

روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (کمی - کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت تحلیلی - اکتشافی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق نیز شامل مدیران، مسئولان و کارشناسان مسائل روستایی استان گیلان و شهرستان آستارا بوده که با توجه به مشخص

نبودن تعداد آن با استفاده از فرمول کوهن در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۷۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است. روش دسترسی به حجم نمونه نیز بر مبنای الگوی غیرتصادفی هدفمند بوده است. همچنین در راستای تحلیل اطلاعات از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و دو نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر ابتدا از طریق تحلیل محتوای اسناد موجود در راستای آمار و اطلاعات موجود اجتماعی - فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا، تغییرات ایجاد شده در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه شناسایی گردیده و سپس با پرسشگری از حجم نمونه عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی سیاست‌های اجتماعی-فرهنگی توسعه روستایی (سیاست‌های تشویقی و جذب جمعیت) مورد ارزیابی قرار گرفته است.

شهرستان آستارا در شمال غرب استان گیلان قرار داشته و با مساحت ۴۳۰ کیلومترمربع حدود ۳ درصد از کل مساحت استان را به خود اختصاص داده است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی شهرستان مورد مطالعه در ۴۸ درجه و ۵۲ دقیقه و ۳۸ درجه و ۲۵ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. این شهرستان از طرف شمال به رودخانه آستارا چای (مرز بین ایران و آذربایجان)، از سمت جنوب به شهرستان تالش، از سمت غرب به ارتفاعات تالش و از شرق به دریای خزر محدود می‌شود. از نظر تقسیمات کشوری دارای دو بخش (مرکزی و لوندویل) و چهار دهستان با نام‌های ویرمونی، حیران، چلوند و لوندویل است. در این شهرستان در مجموع ۸۱ روستای دارای سکنه و ۱۲ روستای خالی از سکنه استقرار دارند و از ۸۱ روستا دارای سکنه، ۴۹ روستا بالای ۲۰ خانوار می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). از نظر توپوگرافی شهرستان مورد مطالعه دارای بخش ساحلی، جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی است که به ترتیب از تراکم جمعیت و سکونتگاه‌های بیشتری برخوردار هستند. این منطقه به دلیل داشتن ریزش‌های جوی، خاک مساعد و دمای معتدل، مساعد برای کشاورزی است. به همین دلیل نیز بیشترین تراکم جمعیتی منطقه را در خود جای داده است. طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان آستارا ۹۱۲۵۷ نفر بوده که از این تعداد، ۲۸۴۴۳ نفر در مناطق روستایی و ۶۲۸۱۴ نفر در مناطق شهری اسکان داشته‌اند.



شکل ۱ - موقعیت جغرافیایی شهرستان آستارا و روستاهای آن مأخذ: (نگارندگان، ۱۴۰۲).

یافته‌ها

بخش اجتماعی، فرهنگی و ورزشی یکی از مهمترین نمودهای روند توسعه در سکونتگاه‌های روستایی محسوب می‌گردد. زمانی می‌توان گفت توسعه همه‌جانبه در مناطق روستایی محقق گردیده که علاوه بر نیازهای اولیه، توسعه فیزیکی و کالبدی، شاخص‌های اجتماعی فرهنگی نیز ارتقاء یابند. بنابراین دسترسی به امکانات و خدمات آموزشی، فرهنگی، کتاب، مجله، تجهیزات ورزشی، مسجد و ... جز حقوق لازم هر فرد روستانشین محسوب می‌شود. در ادامه به بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی در روستاهای شهرستان آستارا طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ پرداخته شده است. قابل ذکر است که در راستای ارزیابی نتایج و اثربخشی برنامه ششم توسعه، آمار و اطلاعات رسمی وجود نداشته و اطلاعات حاضر از طریق بررسی‌های میدانی نگارندگان گردآوری شده است.

بررسی وضعیت شاخص‌های آموزشی در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

بررسی‌ها در روستاهای شهرستان آستارا نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ تعداد باسوادان ۲۳۱۷۵ نفر، در سال ۱۳۹۰، ۲۰۱۴۱ نفر و در سال ۱۳۹۵، ۲۱۳۷۷ نفر بوده است و در همه دوره‌ها تعداد زنان باسواد بیشتر می‌باشد. نرخ باسوادی در نواحی روستایی مورد مطالعه، طی دوره آماری با رشد روبه رو بوده است و از حدود ۷۰ درصد به بیش از ۸۰ درصد رسیده است. هیچ یک از روستاهای شهرستان آستارا دارای دبیرستان نیستند. بنابراین، با توجه به جمعیت روستاها و هرم جنسی نواحی روستایی این شهرستان به نظر می‌رسد توسعه روستایی در بخش آموزش از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. در این راستا، در روستاهای مورد مطالعه دانش‌آموزان برای کسب تحصیلات بالاتر مجبور به مراجعه به نقاط شهری همجوار بوده و عدم وجود مدارس به اندازه کافی می‌تواند یکی از علل اصلی مهاجرت خانواده‌ها به شهرهای اطراف باشد.

جدول ۲ - گزارش شاخص‌های آموزشی در روستاهای شهرستان آستارا و استان گیلان طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

ردیف	شاخص / متغیر	واحد اندازه‌گیری	مقدار شاخص / متغیر					
			۱۳۹۵		۱۳۹۰		۱۳۸۵	
			استان	شهرستان	استان	شهرستان	استان	شهرستان
۱	تعداد باسوادان کل	نفر	۱۸۵۵۵۷۹	۶۵۸۰۵	۱۹۴۵۱۴۶	۶۸۹۸۱	۲۰۵۶۰۸۷	۷۴۳۹۴
۲	نرخ باسوادی کل	درصد	۸۳/۱	۸۶/۳	۸۴/۲	۸۷/۹	۸۷/۳	۸۹/۹
۳	باسوادان روستایی	نفر	۷۷۰۳۷۰	۲۳۱۷۵	۶۸۵۴۴۵	۲۰۱۴۱	۶۷۹۳۰۹	۲۱۳۷۷
۴	نرخ باسوادی روستایی	درصد	۶۶/۸۵	۶۶/۹۴	۶۸/۶۶	۶۸/۶۸	۷۸/۵	۸۳/۴
۵	باسوادان روستایی (زن)	نفر	۳۵۸۷۲۴	۱۰۵۳۶	۳۱۹۱۱۸	۹۲۱۶	۳۰۹۵۹۶	۹۸۲۱
۶	باسوادان روستایی (مرد)	نفر	۴۱۱۶۴۶	۱۲۶۳۹	۳۶۶۳۲۷	۱۰۹۲۵	۳۶۹۷۱۳	۱۱۵۵۶
۷	روستاهای تحت پوشش نهضت	روستا	۹۹۴	۷۵	۷۰۹	۱۵	۴۷۷	۱۲
۸	تعداد روستاهای دارای مدرسه ابتدایی	روستا	۲۵۰۶	۴۵	۲۰۱۸	۴۶	۲۰۷۷	۲۰
۹	تعداد روستاهای دارای مدرسه راهنمایی	روستا	۱۲۲۵	۸	۹۹۹	۶	۸۸۷	۱۰
۱۰	تعداد روستاهای دارای مدرسه متوسطه	روستا	۶۰۳	۰	۶۱۹	۰	۷۳۸	۰

مأخذ: (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۵-۱۳۸۵).

بررسی وضعیت مراکز ورزشی و فرهنگی در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

تعداد اماکن ورزشی شهرستان آستارا از ۹ عدد در سال ۱۳۸۵ به ۱۵ عدد در سال ۱۳۹۰ رسیده است و طی پنج سال بعدی هیچ افزایشی را نشان نمی‌دهد. این شاخص در سطح استان از افزایش ۱۲۵ عددی در پنج سال اول مورد مطالعه و ۵۰ مورد در ۵ سال دوم برخوردار بوده است. هم‌چنین در سال ۱۳۸۵ تنها ۳ روستا دارای مکان ورزشی بوده‌اند و در سال ۱۳۹۰ به ۹ عدد افزایش یافته است. از طرفی مکان ورزشی در سال ۱۳۹۵ تنها ۲ مورد بوده است. تعداد اعضای مراکز فرهنگی سیار روستایی در سال ۱۳۸۵ به تعداد ۲۴۴۱ نفر بوده و این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۱۲۴۲ نفر و در سال ۱۳۹۵ به ۱۰۲۹ نفر کاهش یافته است. در همین حال تعداد کتاب‌های موجود در این مراکز تغییرات خاصی را طی این سال‌ها نشان نمی‌دهد. در مورد کتابخانه‌ها می‌توان عنوان کرد که در سال ۱۳۸۵ تنها ۲ روستا در شهرستان آستارا دارای کتابخانه بوده و این مقدار در ۱۳۹۰ به ۱ مورد کاهش یافته و در سال ۱۳۹۵ به ۳ مورد افزایش یافته است. با توجه به اهمیت موضوع کتاب و کتابخانه‌ی و جمعیت تقریباً جوان این مناطق بسیار ضروری است که به توسعه بخش فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا توجه ویژه شود.

جدول ۳ - توزیع خدمات ورزشی و فرهنگی در روستاهای شهرستان آستارا و استان گیلان طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

ردیف	شاخص / متغیر	واحد اندازه گیری	مقدار شاخص / متغیر					
			۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵	
			استان	شهرستان آستارا	استان	شهرستان آستارا	استان	شهرستان آستارا
۱	تعداد مکان‌های ورزشی	باب	۱۵۵	۹	۲۸۰	۱۵	۳۳۲	۱۵
۲	مساحت مکان‌های ورزشی	متر	۳۷۱۷۴۶	۱۷۶۱۲	۹۸۹۸۵۰	۳۴۵۷۴	۱۲۴۸۳۵	۴۳۷۹۷
۳	تعداد اعضای مراکز فرهنگی سیار روستایی	نفر	۴۰۲۷۶۳	۲۴۴۱	۴۴۸۶۸۱	۱۲۴۲	۴۳۱	۱۰۲۹
۴	کتاب‌های موجود در مراکز فرهنگی سیار روستایی	عدد	۲۱۳۲۳	۵۶۱۵	۲۶۰۵۲	۱۲۸۲۵	۵۱۰	۵۷۱۳
۵	تعداد روستاهای دارای مکان ورزشی	روستا	۱۷۷	۳	۴۹۲	۹	۸۴	۲
۶	تعداد روستاهای دارای کتابخانه	روستا	۹۳	۲	۹۹	۱	۹۸۲۴۰۳	۳

مأخذ: سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۵-۱۳۸۵.

بررسی وضعیت مراکز بهداشتی در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

تعداد مراکز بهداشتی در روستاهای استان گیلان طی دوره آماری کاهش داشته است. در شهرستان آستارا نیز تعداد این مراکز از ۵ به ۴ و ۳ مورد طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ رسیده است. با در نظر گرفتن تعداد جمعیت روستایی نیز نسبت مراکز بهداشتی به ده هزار نفر جمعیت روستایی در شهرستان آستارا از ۱/۵۴ به ۱/۴۴ و ۱/۰۵ در نوسان بوده است. این مقادیر برای استان هم روند کاهشی داشته است. تعداد خانه‌های بهداشت روستایی نیز طی دوره ۱۰ ساله مورد مطالعه رو به کاهش گذاشته است. تعداد خانه‌های بهداشت در سال ۱۳۸۵ به ازای هر ۱۰ هزار نفر مقدار ۸/۶۳ درصد

بوده که در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ۷/۵۸ و ۸/۱ درصد رسیده است. این مقادیر در همه سال‌ها از متوسط استانی کمتر بوده است و به نظر می‌رسد روند توسعه مراکز بهداشتی در روستاهای شهرستان آستارا مغفول مانده است.

جدول ۴ - توزیع مراکز بهداشتی در روستاهای شهرستان آستارا و استان گیلان طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

ردیف	شاخص / متغیر	واحد اندازه گیری	مقدار شاخص / متغیر			
			۱۳۹۵		۱۳۸۵	
			استان	شهرستان آستارا	استان	شهرستان آستارا
۱	مراکز بهداشتی درمانی روستایی	مرکز	۹۷	۴	۱۹۸	۵
۲	مراکز بهداشتی درمانی شهری به ازای ده هزار نفر جمعیت روستایی	مرکز	۱/۰۴	۱/۴۴	۲/۰۱	۱/۵۴
۳	خانه‌های بهداشت فعال	باب	۹۷۵	۲۱	۹۳۱	۲۸
۴	تعداد خانه‌های بهداشت به ازای ده هزار نفر جمعیت روستایی	باب	۱۰/۵	۷/۵۸	۹/۴۶	۸/۶۳

مأخذ: (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۵-۱۳۸۵).

مقایسه رشد شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی طی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

در نقاط روستایی شهرستان آستارا طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵

جدول ۵، تغییرات شاخص‌های مختلف مورد بررسی طی سال‌های اجرای برنامه چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در شهرستان آستارا نشان می‌دهد. در نگاه کلی می‌توان گفت اغلب شاخص‌ها طی این دو دوره شاهد رشد قابل قبولی بوده‌اند.

در شاخص‌های آموزشی، نرخ باسوادی روستائیان در شهرستان آستارا طی دوره پنجم توسعه، رشد قابل ملاحظه ۱۴/۷۲ درصدی را نشان می‌دهد. این تغییر در دوره مشابه قبلی ۱/۷۴ درصد بوده است. تعداد کارکنان حوزه آموزشی نیز طی برنامه‌های چهارم و پنجم به ترتیب ۲/۹۴ و ۶/۰۴ درصد رشد یافته است. با این حال همچنان روستاهای شهرستان آستارا فاقد مدرسه در مقطع دبیرستان بوده است. تعداد مدارس ابتدایی طی سال‌های برنامه پنجم توسعه بیش از ۵۶ درصد کاهش داشته است. کاهش زادوولد و به تبع آن کاهش دانش آموزان دوره ابتدایی موجب تعطیلی این مدارس در برخی روستاها شده است. در مقابل تعداد مدارس راهنمایی در دوره پنجم توسعه با رشد ۶/۶۶ درصدی مواجه بوده است. تعداد روستاهای تحت پوشش نهضت سوادآموزی در دوره چهارم با کاهش چشمگیر ۸۰ درصدی مواجه بود. این مقدار طی برنامه پنجم ادامه داشته و کاهش ۲۰ درصدی را تجربه کرده است.

تعداد مکان‌های ورزش روستایی شهرستان آستارا در برنامه چهارم توسعه ۶ مورد افزایش داشته است اما این تعداد در دوره پنجم کاهش یافته است.

مراکز فرهنگی بسیار در روستاها طی دوره‌های مورد مطالعه شاهد کاهش اعضا بوده‌اند. این کاهش در دوره برنامه چهارم بیشتر از برنامه پنجم بوده است. تعداد روستاهای دارای کتابخانه در برنامه چهارم به یک مورد کاهش یافته بود که این

روستاها به ۳ مورد در پایان دوره برنامه پنجم رسیده است. این نتایج نشان می‌دهد که خدمات‌رسانی در بخش فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا همواره مغفول مانده و توجه بیش از پیش برنامه‌ریزان در این زمینه را می‌طلبد. تعداد مراکز بهداشت روستایی در طول برنامه‌های چهارم و پنجم با ۲۰ و ۲۵ درصد کاهش روبه‌رو بوده است. هم‌چنین تعداد خانه‌های بهداشت فعال در طول برنامه چهارم کاهش ۲۵ درصدی داشت است که در سال‌های بعد و در پایان دوره برنامه پنجم ۲ خانه بهداشت و به عبارتی ۹/۵۲ درصد به این مقدار افزوده شده است. با این حال نسبت به جمعیت روستایی باید گفت این مقدار قابل قبول نبوده و این تعداد مراکز پاسخگوی نیاز روستاییان نخواهد بود.

جدول ۵ - مقایسه رشد شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی طی برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

برنامه پنجم		برنامه چهارم		شرح	
درصد	مقدار	درصد	مقدار		
-	۱۴/۷۲	-	۱/۷۴	نرخ باسوادی روستایی	آموزش
۱۱/۷۳	۱۷۶۷	۰/۴۴	۶۷	تعداد کل دانش‌آموزان	
۶/۰۴	۳۸	۲/۹۴	۱۸	تعداد کارکنان آموزشی	
-۲۰	-۳	-۸۰	-۶۰	روستاهای تحت پوشش نهضت سوادآموزی	
-۵۶/۵۲	-۴۴	۲/۲۲	۱	تعداد روستاهای دارای مدرسه ابتدایی	
۶/۶۶	۴	۲۵	۲	تعداد روستاهای دارای مدرسه راهنمایی	
۰	۰	۰	۰	تعداد روستاهای دارای مدرسه متوسطه	
۰/۸۲	۲	۶/۶۶	۶	تعداد مکان‌های ورزشی	خدمات فرهنگی و ورزشی
۲۶/۶۷	۹۲۲۳	۹۶/۳۰	۱۶۹۶۲	مساحت مکان‌های ورزشی	
-۱۷/۱۴	-۲۱۳	-۴۹/۱۱	-۱۱۹۹	تعداد اعضای مراکز فرهنگی سیار روستایی	
۵۵/۴۵	۷۱۱۲	۱۲۸/۴	۷۲۱۰	کتاب‌های موجود در مراکز فرهنگی سیار روستایی	
۲۰۰	۲	-۵۰	-۱	تعداد روستاهای دارای کتابخانه	
-۲۵	-۱	-۲۰	-۱	مراکز بهداشتی-درمانی روستایی	خدمات بهداشت و درمان روستایی
۹/۵۲	۲	-۲۵	-۷	خانه‌های بهداشت فعال	
۶/۸۶	۰/۵۲	-۱۲/۱۶	-۱/۰۵	تعداد خانه‌های بهداشت به ازای ده هزار نفر جمعیت روستایی	

مأخذ: (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۵-۱۳۸۵؛ محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۱).

بررسی تفاوت‌های برنامه پنجم و ششم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی در نقاط روستایی شهرستان آستارا طی

بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۵

آمار رسمی از مناطق روستایی، همچون سایر مناطق کشور در سال ۱۴۰۰ وجود ندارد و آخرین آمار رسمی مربوط به سال ۱۳۹۵ می‌باشد. با این حال بررسی‌های میدانی نگارندگان نشان می‌دهد که تفاوت‌های جزئی در روستاهای مورد بررسی بین برنامه‌های پنجم و ششم توسعه وجود دارد. به‌عنوان مثال خانه‌های بهداشت فعال در روستاهای شهرستان آستارا از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ تغییری نداشته‌اند (۲۳ مورد). با این حال در برخی شاخص‌ها شاهد تغییرات جزئی مثبت و در برخی نیز شاهد تغییرات منفی می‌باشیم. در مورد مکان‌های ورزشی، تعداد آنها از ۱۵ مورد در سال ۱۳۹۵ به ۱۸ مورد

در سال ۱۴۰۰ رسیده است. هم‌چنین مراکز بهداشتی - درمانی شاهد افزایش ۵۰ درصدی از ۳ مورد به ۶ مورد بین بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بوده است. از نظر فرهنگی نیز شاهد کاهش تعداد کتاب‌ها و کتابخانه و از نظر آموزشی طبق نظر روستائیان شاهد کاهش مراکز آموزشی می‌باشیم.

بررسی عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی سیاست‌های اجتماعی- فرهنگی توسعه روستایی (سیاست‌های تشویقی و جذب جمعیت)

در این قسمت ابتدا عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی سیاست‌های اجتماعی- فرهنگی توسعه روستایی شناسایی شده (اشتغال‌زایی، ایجاد امکانات و خدمات روستایی «روبنایی و زیربنایی» و نهادهای اداری، توجه به دانش بومی در توسعه روستایی، بیمه همگانی و تسهیلات بانکی)، سپس از نمونه آماری برای اثربخشی آنها پرسشگری گردیده که نتایج آن به شرح جدول ۶ می‌باشد.

جدول ۶ - عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی سیاست‌های اجتماعی- فرهنگی توسعه روستایی

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	میانگین	T آماره (ارزش آزمون ۳)	سیاست‌ها	برنامه‌ها
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۳/۲۵	۴/۲۶	اشتغال‌زایی	برنامه چهارم توسعه
رد	۰/۰۹۱	۶۹	۲/۷۶	۰/۴۵	ایجاد امکانات و خدمات روستایی (روبنایی و زیربنایی) و نهادهای اداری	
رد	۰/۱۰۲	۶۹	۲/۲۵	-۱/۲۹	توجه به دانش بومی در توسعه روستایی	
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۴/۱۲	۷/۲۶	بیمه همگانی	
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۳/۶۴	۵/۱۹	تسهیلات بانکی	
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۴/۲۹	۷/۵۸	اشتغال‌زایی	برنامه پنجم توسعه
رد	۰/۱۱۷	۶۹	۲/۸۸	۱/۲۹	ایجاد امکانات و خدمات روستایی (روبنایی و زیربنایی) و نهادهای اداری	
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۳/۰۱	۳/۴۸	توجه به دانش بومی در توسعه روستایی	
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۳/۹۸	۶/۷۶	بیمه همگانی	
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۳/۶۳	۶/۲۰	تسهیلات بانکی	
رد	۰/۱۴۵	۶۹	۲/۴۷	۰/۷۶	اشتغال‌زایی	برنامه ششم توسعه
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۳/۷۱	۵/۸۵	ایجاد امکانات و خدمات روستایی (روبنایی و زیربنایی) و نهادهای اداری	
رد	۰/۲۲۸	۶۹	۱/۹۸	-۲/۳۵	توجه به دانش بومی در توسعه روستایی	
رد	۰/۱۷۳	۶۹	۲/۶۴	۱/۰۶	بیمه همگانی	
تأیید	۰/۰۰۰	۶۹	۳/۲۹	۴/۳۷	تسهیلات بانکی	

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲).

بر اساس نتایج آزمون تی می‌توان عنوان کرد که اثربخشی ایجاد امکانات و خدمات روستایی (روبنایی و زیربنایی) و نهادهای اداری در دو برنامه چهارم و پنجم نامطلوب و در برنامه ششم نامطلوب بوده است. هم‌چنین اثربخشی توجه به دانش بومی در توسعه روستایی نیز در برنامه چهارم و ششم نامطلوب ارزیابی شده است. با این حال اشتغال‌زایی، بیمه همگانی و تسهیلات بانکی تأثیر مثبتی بر تحقق سیاست‌های اجتماعی - فرهنگی برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم داشته است، اما در برنامه ششم تأثیرات آنها قابل توجه نبوده است

هم‌چنین نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای بیانگر آن است که با توجه به سطح معنی‌داری یا $Sig=0.001$ که کوچک‌تر از 0.05 است، در نتیجه فرض برابری واریانس‌ها (H_0) رد می‌شود. از طرفی سطح معنی‌داری برای آزمون مقایسه میانگین دو گروه (دو برنامه) معنی‌دار یا $Sig=0.003$ می‌باشد. پس فرض برابری میانگین‌ها (H_0) رد می‌شود و قابل مشاهده است که از منظر عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی برنامه‌های چهارم و پنجم در توسعه اجتماعی - فرهنگی روستاهای مورد مطالعه تفاوت معناداری وجود دارد. هم‌چنین با توجه به مثبت بودن حد پایین و بالا، تفاوت میانگین دو گروه بزرگ‌تر از صفر است و میانگین گروه دوم از گروه اول بزرگ‌تر است. هم‌چنین پایین بودن امتیاز t نشان از تفاوت پایین دو برنامه نسبت به همدیگر از نظر عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی توسعه اجتماعی- فرهنگی می‌باشد. بنابراین عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی سیاست‌های اجتماعی - فرهنگی در توسعه مناطق روستایی شهرستان آستارا در برنامه پنجم وضعیت مطلوب‌تری نسبت به برنامه‌های چهارم داشته است.

جدول ۷ - نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی سیاست‌های اجتماعی- فرهنگی توسعه روستایی در برنامه‌های چهارم و

پنجم

جدول آزمون دو گروه مستقل t									
آزمون تی برای برابری میانگین‌ها					آزمون لوون برای برابری واریانس‌ها		آزمون برابری واریانس‌ها		
سطح اطمینان ۹۵٪		میانگین خطای استاندارد	اختلاف میانگین	سطح معناداری دو گروه	درجه آزادی	ارزش T	سطح معناداری	ارزش F	آزمون برابری واریانس‌ها
حدپایین	حدبالا								
۱۱/۵۸۳	۶/۳۹۱	۱/۲۵	۲/۷۱	۰/۰۰۳	۶۹	۵/۶۵	۰/۰۰۱	۴/۹۱۷	فرض برابری واریانس‌ها

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲).

از طرفی نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای در راستای بررسی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه حاکی از آن است که با توجه به سطح معنی‌داری فرض برابری واریانس‌ها (H_0) و برابری میانگین‌ها (H_0) رد می‌شود و قابل مشاهده است که از منظر عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی برنامه‌های پنجم و ششم در توسعه اجتماعی- فرهنگی روستاهای مورد مطالعه تفاوت معناداری وجود دارد. هم‌چنین با توجه به منفی بودن حد پایین، تفاوت میانگین دو گروه بزرگ‌تر از صفر است و میانگین گروه اول از گروه دوم بزرگ‌تر است. بنابراین عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی سیاست‌های اجتماعی- فرهنگی در توسعه مناطق روستایی شهرستان آستارا در برنامه پنجم وضعیت مطلوب‌تری نسبت به برنامه‌های ششم داشته است.

جدول ۸ - نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی سیاست‌های اجتماعی-فرهنگی توسعه روستایی در برنامه‌های پنجم و

ششم

جدول آزمون دو گروه مستقل t								
آزمون تی برای برابری میانگین‌ها				آزمون لوون برای برابری واریانس‌ها				آزمون برابری واریانس‌ها
سطح اطمینان ۹۵٪		میانگین خطای استاندارد	اختلاف میانگین	سطح معناداری دو گروه	درجه آزادی	ارزش T	سطح معناداری	
حد پایین	حد بالا							
۳/۴۲۹	-۱/۵۷۱	۱/۱۷	۲/۲۶	۰/۰۰۲	۶۹	۴/۷۲	۰/۰۰۱	۳/۸۵۹

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲).

نتیجه‌گیری

در فرایند توسعه، برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌افتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها اهمیت زیادی دارد. در این راستا، تحقیق حاضر با هدف مقایسه عملکردهای اجتماعی-فرهنگی دولت در دو برنامه چهارم و پنجم توسعه در روستاهای شهرستان آستارا نگرارش شده است. نتایج حاصل از بررسی اطلاعات نشان می‌دهد که تأثیر برنامه‌های توسعه در ارتقاء شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی مطلوب می‌باشد. در این بین نرخ باسوادی روستایی از ۱/۷۴ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۴/۷۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است که نشانگر حمایت‌های دولتی در بخش خدمات آموزشی است. تعداد مدارس راهنمایی از ۲ باب مدرسه به ۴ باب در بازه زمانی مورد مطالعه افزایش پیدا کرده است. تعداد روستاهای دارای مراکز بهداشت و خدمات درمانی به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت روستایی از ۱/۰۵- در طول برنامه چهارم به ۶/۸۶ در برنامه پنجم درصد رسیده است. هم‌چنین می‌توان عنوان کرد که روستاهای شهرستان آستارا اغلب در بخش کوهستانی و کوهپایه‌ای واقع شده‌اند و ساکنین این مناطق در دسترسی به امکانات آموزشی و بهداشتی و درمانی در مزیغه قرار داشته‌اند، بنابراین ارائه امکانات و خدمات آموزشی و بهداشت و درمان از طریق دولت می‌تواند در رفع این مشکل کارساز باشد. در شاخص‌های ورزشی تعداد روستاهای دارای مکان ورزشی از ۶/۶۶ درصد به ۰/۸۲ درصد در طول برنامه چهارم و پنجم توسعه رسیده است. از طرفی تعداد روستاهای دارای کتابخانه نیز از ۲- به ۲ درصد افزایش نشان داشته است، هرچند در این شاخص رشد مثبت بوده ولی جوانان اکثر روستاها به امکانات ورزشی و کتابخانه دسترسی ندارند. در برنامه ششم توسعه نیز شاهد تغییرات مثبت هرچند اندک می‌باشیم و می‌توان گفت این برنامه موجبات توسعه روستاهای شهرستان آستارا طی بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۶ را فراهم آورده است. با توجه به نتایج مستخرج می‌توان عنوان کرد که تأثیر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم در ارتقاء شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا مثبت ارزیابی گردیده است، هرچند با توجه به وضعیت موجود نیاز توجه بیشتر در

- ابعاد مختلف احساس می‌گردد. بدین منظور پیشنهادهای زیر به منظور اثربخشی کامل برنامه‌های توسعه در ابعاد اجتماعی - فرهنگی روستاهای شهرستان آستارا ارائه می‌گردد:
- ایجاد بسترهای حمایتی زمینه رشد ابتکارات و خلاقیت‌های کارآفرینان و نخبگان روستایی و ایجاد اشتغال برای جمعیت رو به رشد روستاها به صورت نیمه‌وقت یا تمام‌وقت و یا فصلی و دائمی تا بتوانند با به‌کارگیری استعدادهای خود زمینه ابتکارات و خلاقیت را ایجاد و بستر تبدیل به نیروی ماهر و خلاق شکل گیرد.
 - تهیه شرایط و تمهیدات لازم با ایجاد نهادهای بومی و محلی در روستاها جهت جلب و جذب مشارکت بیشتر مردم در امر توسعه و برنامه‌ریزی روستایی.
 - بهره‌مندی از مدیران باتجربه و متعهد در امور روستایی.
 - با ظرفیت‌سنجی مناسب، توسعه حمل‌ونقل روستایی و دسترسی به امکانات آموزشی و خدمات بهداشتی فراهم گردد.
 - طرح‌های روستایی با توجه به امکانات و محدودیت‌های موجود و همراستا با سیاست‌های کلان تهیه گردد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بخشی، زهرا، مطیعی لنگرودی، سیدحسن، فرجی سبکبار، حسنعلی، قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۹۸). تحلیل فضایی پایداری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی (منطقه سبزوار-نیشابور)، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱-۳۲.
- خالقی، عقیل (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی توسعه با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۲۶۱-۲۲۱.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: نشر قومس.
- زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۱). بررسی و نقد نظریه‌های فقرزدایی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۳، صص ۹۶-۶۵.
- سعیدی، عباس، رستگار، ابراهیم (۱۳۸۸). اثربخشی طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در توسعه اجتماعی-اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی (مورد: روستاهای بخش وراوی «شهرستان مهر»)، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۶۳-۴۷.
- شقایق شهری، وحید (۱۳۹۷). ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز، مجلس و راهبرد، دوره ۲۵، شماره ۹۴، صص ۲۳۷-۲۰۹.
- شکوری، علی (۱۳۸۰). پژوهشی در توسعه و نابرابری در مناطق روستایی (روستاهای برگزیده شهرستان مرند)، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۳، شماره ۴۱، صص ۶۹-۵۳.
- شمس‌الدینی، علی، جمینی، داود (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد نهادهای متولی در توسعه سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد معادلات ساختاری مورد مطالعه: شهرستان جوانرود، جغرافیا و توسعه، دوره ۱۴، شماره ۴۳، صص ۵۰-۳۵.

- صیدایی، اسکندر، حسینی، سمیه سادات (۱۳۹۳). نظریه‌ها و دیدگاه‌های توسعه روستایی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- ضیائی‌ان، پرویز، انوری، آرزو، ولایی، محمد (۱۳۹۴). سطح‌بندی میزان توسعه روستاهای بخش مرحمت‌آباد شهرستان میاندوآب، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۱۴۶-۱۲۹.
- طالشی، مصطفی، جمعه‌پور، محمود، گنجی‌پور، محمود (۱۳۹۴). نقش سرمایه‌گذاری‌های دولت در ظرفیت‌سازی مناطق روستایی (نمونه موردی: روستاهای ناحیه آران و بیدگل)، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۷۴-۵۹.
- قادرمرزی، حامد، بهمنی، افشین (۱۳۹۸). تبیین اثرات سیاست‌های دولت بر تحولات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مسکن روستایی با استفاده از تکنیک اهمیت-عملکرد (IPA) (مطالعه موردی: روستاهای استان کردستان)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۷، صص ۶۶-۵۱.
- قدیری معصوم، مجتبی، عزمی، آثیر (۱۳۸۹). تحولات اشتغال روستایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن، چشم‌انداز جغرافیایی، دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۵۶-۴۱.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Abreu, I., & Mesias, F.J. The assessment of rural development: Identification of an applicable set of indicators through a Delphi approach. *Journal of Rural Studies*, 2020; 80: 578-585.
- Abreu, I., Mesias, F.J., & Ramjo, J. Design and validation of an index to measure development in rural areas through stakeholder participation. *Journal of Rural Studies*, 2022; 95: 232-240.
- Chen, A., & Scott, S. Rural development strategies and government roles in the development of farmers' cooperatives in China. *Journal of Agriculture, Food Systems, and Community Development*, 2014; 4(4): 35-55.
- Deng, H., Huang, J., Xu, Z., & Rozelle, S. Policy support and emerging farmer professional cooperatives in rural China. *China Economic Review*, 2010; 21(4): 495-507.
- Ejaz Ali Khan, R., Rehman, H., & Abrar-ul-Haq, M. Determinants of Rural Household Poverty: The Role of Household Socioeconomic Empowerment. *American-Eurasian Journal of Agricultural & Environmental Sciences*, 2015; 15(1): 93-98.
- Fan, S., Hazell, P., & Thorat, S. Government Spending, Growth and Poverty in Rural India. *American journal of Agricultural Economics*, 2003; 82: 1038-1051.
- Freshwater, D., & Trapasso, R. The disconnect Between Principles and Practice: Rural Policy Reviews of OECD Countries. *Growth and Change*, 2014; 45(4): 477-498.
- Freshwater. D. Rural Development and the Declining Coherence of Rural Policy: An American and Canadian Perspective. Paper prepared for the conference, Public Policy and Rural Development- A EU/US Comparison, WYE, UK; June 2007.
- Ghafary, G. The State and Rural development. *Critical Middle Eastern Studies*, 2006; 15(3): 283-293.
- Hebinck, P., Smith, L., & Aliber, M. (2023). Beyond technocracy: The role of the state in rural development in the Eastern Cape, South Africa. *Land Use Policy*, 2023; 126: 1-14.

- Jurjević, Z., Zekić, S., Đokić, D., & Matkovski, B. Regional Spatial Approach to Differences in Rural Economic Development: Insights from Serbia. *Land*, 2021; 10(11): 1-14.
- Mohammed, H., & Muhammad, Y. The role of local government in rural development in Nigeria: a study of Lafia local government area of Nasarawa state. *African Journal of Social Sciences and Humanities Research*, 2019; 2(3): 1-11.
- Namdar, R., & Sadighi, H. Investigation of Major Challenges of Rural Development in Iran Utilizing Delphi Technique. *Journal of Agricultural Science & Technology*, 2013; 15(3): 445-455.
- Qingjuana, Y., Beia, L., & Kuia, L. The Rural Landscape Research in Chengdu's Urban-rural Intergration Development. *Procedia Engineering*, 2011; 21: 780-788.
- Torre, A., Wallet, F., & Huang, J. A collaborative and multidisciplinary approach to knowledge-based rural development: 25 years of the PSDR program in France. *Journal of Rural Studies*, 2023; 97: 428-437.

Analyzing the Effectiveness of Government Policies in the Social and Cultural Development of Rural Areas with an Emphasis on the Five-Year Plans of Economic, Social and Cultural Development, Case Study: Astara County

**Fereshteh Ebadolahian¹, Seyedah Sediqeh Hassani Mehr^{2*}, Rafat Shahmari Ardjani³,
Hossein Asghari⁴**

1. PhD student of Geography and Rural Planning, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran
2. Assistant Professor, Department of Geography, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran
3. Assistant Professor, Department of Geography, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran
4. Assistant Professor, Department of Geography, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran

Abstract

In Iran, the highest documents in the field of development policies of different regions and especially villages are related to 5-year economic, social and cultural development plans. In this regard, evaluating the impact of these development programs in realizing the development of rural areas can determine the role of government policy in the development of villages. For this purpose, the current research was written with the aim of evaluating the impact of government policies on the social and cultural development of the villages of Astara County, with an emphasis on the fourth, fifth and sixth development plans. The research method in the present research is mixed (quantitative-qualitative) with practical purpose and analytical-exploratory nature. The statistical population of the research also includes managers, officials and experts on rural issues in Gilan province and Astara county, and using Cohen's formula at the 95% confidence level, 70 people have been determined as the sample size. Also, in line with data analysis were used one-sample t-tests and two-sample t-tests in SPSS software. The findings of the research show that during the fourth and fifth plans, the rural literacy rate increased from 1.74 to 14.72 percent, the number of villages with health and treatment centers per 10,000 rural population increased from -1.05 to 6.86. Secondary schools have increased from 2 to 4 and the number of villages with libraries has also increased from -2 to 2 percent. Also, at the end of the 6th plan, we see slight changes in the investigated indicators compared to the 5th plan. In general, the effectiveness of the investigated development programs, especially the fifth program, can be evaluated positively in the socio-cultural development of the villages of Astara.

Keywords: Rural development, Development plans, Government policy making, Astara County.